

## شیرازه

## گراهام گرین و حکایت بی‌پیرایه شور عشق

● **شرق:** «هیچ داستانی آغاز یا پایان ندارد؛ ما به دلخواه لحظه‌ای از یک زندگی را انتخاب می‌کنیم و از آنجا به گذشته یا آینده نگاه می‌کنیم. می‌گویم انتخاب می‌کنیم و این را با غرور نایجای نویسنده‌ای حرفه‌ای می‌گویم که – اگر اصلا اشاره‌ای جدی به او شده باشد- به دلیل مهارت‌های تکنیکی‌اش مورد ستایش قرار گرفته است؛ اما آیا به‌راستی در آن شب سیاه بارانی ژانویه ۱۹۴۶ منظره هنری مایلز را در محوطه عمومی که زیر باران سیل‌آسا خم شده بود، به اراده خودم انتخاب کردم، یا این تصاویر مرا انتخاب کردند؟ براساس قواعد حرفه من کار درست و راحت این است که داستان را درست از همین‌جا آغاز کنم؛ اما اگر در آن هنگام به خیابانی ایمان داشته باشم، شاید باور می‌کردم که دستی دارد از پنجم را می‌کشد و تکان‌تکان می‌دهد که با او حرف بزنم؛ هنوز تو را ندیده است.» «پایان رابطه»، رمان مشهور گراهام گرین، با این سطور آغاز می‌شود. این رمان چند سال پیش با ترجمه احد علیقلیان به فارسی ترجمه شده بود و به‌تازگی چاپ تازه‌ای از آن در نشر نو منتشر شده است.



## پایان رابطه

### گراهام گرین

### ترجمه احدعلیقلیان

#### نشر نو

گراهام گرین از نویسندگان مشهور قرن بیستم انگلستان است و در گونه‌های مختلف ادبی و نوشتاری آثاری منتشر کرده است. از گراهام گرین ۲۲ رمان، هفت نمایش‌نامه، ۱۲ فیلم‌نامه، چهار کتاب ویژه کودکان، دو زندگی‌نامه شخصی، چند مجموعه داستان کوتاه، چند مجموعه مقالات انتقادی، یک کتاب شعر و تعداد بسیاری نقد فیلم به جا مانده است. عمده شهرت گرین به خاطر رمان‌های اوست که «پایان رابطه» هم یکی از آنها به شمار می‌رود. این رمان در سال ۱۹۵۱ منتشر شد که به نوشته مترجم، «حکایت بی‌پیرایه شور عشق» است و جایگاهی یگانه در میان آثار گرین دارد. «پایان رابطه» را یک رمان‌نویس روایت می‌کند؛ اما این روایت نه درباره نوشتن، بلکه درباره تلاقی عشق و ایمان است.

گرین در اکتبر ۱۹۰۴ در انگلستان متولد شد و در آوریل ۱۹۹۱ در شتادوخت سالکی از دنیا رفت. او در طول سال‌های حیاتش چندده‌های متعددی به دست آورد و تنها افتخار عمده‌ای به تنحیث نشد، نوبل ادبی بود که بارها نامزدش شده بود. علیقلیان در بخشی از مقدمه‌اش در ابتدای «پایان رابطه» درباره این رمان نوشته: «پایان رابطه، حکایت بی‌پیرایه شور عشق، در میان رمان‌های گرین جایگاهی یگانه دارد و نشانی از داستانی‌های ماجراجویانه و پلیسی-جنایی در آن دیده نمی‌شود. در همان صفحه آغازین گرین صحنه‌ای معمولی را توصیف می‌کند، یکی، دو شخصیت معمولی را به‌طور مبهم و سراسری معرفی می‌کند و متوجه می‌شویم که در دنیایی قرار گرفته‌ایم که بسیار شبیه دنیای خود ماست، دنیایی آکنده از کانون‌های شر آشاقی، درست همان‌گونه که آکنده از بوی گند است؛ و این دنیایی است پر از هیجان چون در آن احساس می‌کنیم که از همان آغاز هر چیز خشن یا ناگواری امکان وقوع دارد.»

مترجم در مقدمه نسبتاً طولانی‌اش به ویژگی‌های سبکی رمان هم پرداخته است. او نوشته که گرین «در پایان رابطه» دست به نوآوری‌های ساختاری و سبکی آشکاری زده و از جمله به روایت داستان از زبان اول شخص اشاره می‌کند: در این رمان البته فقط صدای دو نفر شنیده می‌شود؛ بندریکس که راوی داستان است و سسارا که نویسنده دفتر خاطرات است. «سیالیت زمان» و دنبال‌کردن «مفرد ناممطمئن و فریبنده حافظه» نیز نکته دیگری است که در این رمان تازگی دارد. در بخشی دیگر از این رمان می‌خوانیم: «بدین هنری در محوطه در چنان ششی عجیب بود: او آسایش را دوست داشت و به هر حال سسارا را هم داشت- می‌تن این‌طور خیال می‌کردم. برای من آسایش مثل خاطره‌ای نایجا در مکان و زمانی نایجاست؛ اگر آدم تنها باشد نداشتن آسایش را ترجیح می‌دهد. حتی در میان اسباب و اثاث بازمانده مستاجر قبلی در اتاق اجاره‌ای که در بخش نامناسب –جنوبی- محوطه عمومی داشتم زیادی احساس راحتی می‌کردم… . راهروی تنگ و شلوغ پسر از کلاه و پالتو غریبه‌ها بود و اشتباهی چتر کس دیگری را برداشتم. همسایه طبقه دوم میهمانی داده بود. بعد در ساختمان را که شیشه‌کاری رنگی داشت پشت سرم بیستم و از پله‌ها که در بمباران سال ۱۹۴۴ آسیب دیده و هرگز تعمیر نشده بود، به احتیاط پایین آمدم. وضعیت راه‌پله و نیز اینکه شیشه‌کاری زمخت و زشت سبک ویکتوریایی چگونه در برابر آن بمباران تاب آورده بود – همان‌طور که آیا و اجدادمان هم در برابر آن تاب می‌آوردند- دلیلی بود برای اینکه این تاریخ در یادم بماند.»

شکل‌های زندگی: به مناسبت تجدید انتشار «تبعیدیان سودایی» ئی. ایچ.کار با ترجمه خشیار دیهیمی

# ترور ایدئولوژیک در ادبیات



**نادر شهریوری (مدقی)**

نخستین ترور ایدئولوژیک را داستایفسکی به نگارش درمی‌آورد. رمان «شیاطین» درباره گروهی از رمانتیک‌های انقلابی تحت هدایت شخصی کاریزماتیک به نام استاوروگین است که اعمال خود و حتی کشتن رفقای سابق خود را به‌واسطه ایده توجیه می‌کند. داستایفسکی در نوشتن «شیاطین» (۱۸۷۲) از ماجرای قتل ایوانوف (۱۸۶۹) بهره می‌گیرد. ایوانوف دانشجویی انقلابی در مسکو بود که عضو یکی از گروه‌های پنج‌نفره تحت هدایت سرگئی نجایف به‌عنوان رهبر گروه می‌شود اما در ادامه کار از اطاعت کورکورانه سر باز می‌زند و این موجب خشم نجایف می‌شود. «ایوانوف از خود تمایل نشان داده بود که نخستین و مهم‌ترین تکلیفی را که اعضای انجمن به دوش داشتند نادیده بگیرد، یعنی اطاعت بی‌چون و چیرا از فرمان‌های نجایف، نجایف دریافت که جقدر اهمیت دارد که این شورش را در مراحل اولیه‌اش با یک حرکت قاطع فرونشاند.» نجایف برای توجیه عمل خود نزد سایرین وانمود می‌کند لازم است برای ادامه فعالیت گروه ایوانوف به قتل برسد چون در غیر این صورت ممکن است بر اثر خیانت ایوانوف کل گروه در معرض نابودی قرار گیرد. اما کار به آسانی پایان نمی‌گیرد و جنایت ایوانوف بدون مکافات به انجام نمی‌رسد. در نهایت ایوانوف به پلیس تزاری تحویل داده می‌شود و در دادگاه به ۱۲ سال زندان محکوم می‌شود و در حین سپری‌کردن محکومیت در ۳۵سالگی می‌میرد.

«تبعیدان سودایی» اثر ئی. ایچ.کار اگرچه به زندگی فردی و اجتماعی هرتزن می‌پردازد اما در کنار آن به دیگر سوداییان سیاسی و ادبی نیز می‌پردازد و سرنوشته است را در کنار هم قرار داده است. نویسنده در این کتاب که بیشتر به رمانی تاریخی شباهت دارد به نویسندگان بزرگ جهان مانند تورگنیف، داستایفسکی و… اشاره می‌کند که مهم‌ترین آثارشان را که از جمله برجسته‌ترین آثار ادبی جهان است متأثر از همین سودازدگان یا چنان که داستایفسکی می‌گوید «تسخیرشدگان» به رشته تحریر درمی‌آورند. آنچه بر اهمیت این متن‌ها می‌افزاید، رابطه تنگاتنگ میان نویسندگان و وقایع زنده‌ای است که آنها تجربه کرده‌اند. چنین چیزی در جهان ادبیات پدیده‌ای منحصربه‌فرد است. به این معنا که نویسندگانی مانند تورگنیف، داستایفسکی، تولستوی و همین‌طور چخوف و گورکی به‌عنوان تبعید از زندانی در کوران سلسله حوادثی قرار گرفتند که آن سلسله حوادث را به روایت‌های خود به‌صورت متنی ادبی با تمام ویژگی‌های فراوانده یک متن عرضه کرده‌اند. آنچه به این گونه متن‌ها حیاتی دوباره می‌دهد قدرت پیشگویی‌شان است. منظور از پیشگویی «تکرار» وقایع متن و مضمون آن در آینده دور و نزدیک است.

نقطه شروع «تبعیدیان سودایی» خارج‌شدن

## ادبیات

شکل‌های زندگی: به مناسبت تجدید انتشار «تبعیدیان سودایی» ئی. ایچ.کار با ترجمه خشیار دیهیمی

# ترور ایدئولوژیک در ادبیات



الکساندر هرتسن و خانواده از روسیه است. استبداد تزاری، غالب‌بودن ایده‌های انقلابی به‌خصوص بعد از سرکوب دکابریست‌ها، انگیزه آنان برای تبعیدشان بود. مقصد مطابق رسمی رمانتیک در آن زمان پاریس بود. «در پایان مارس ۱۸۴۷ بود که مهاجران- یا به تعبیری زائران- پس از سفری ۶۰روزه سرانجام به سرزمین موعود –پاریس- رسیدند و یکر است به سمت دروازه هتلن رن در میدان وانسدم رانده.»
«این مقطع برای تبعیدیان سودایی نقطه شروع سلسله وقایعی است که حول خانواده هرتسن شکل می‌گیرد. از آن پس محل زندگی هرتسن‌ها تبدیل به محلی برای گفت‌وگو، فعالیت و تحلیل ایده‌های تازه تبعیدیان، روشنفکران و نویسندگان روسی و فرانسوی مانند تورگنیف، فلورب، آلفونس دوده و آثارشیتسا ها –انقلابیوتی- مانند باکونین و نجایف می‌شود.

تورگنیف که خود به خاطر انتقادی ساده از دستگاه تراز به حالت تبعید در فرانسه به سر می‌برد از جمله مدعوین محفل هرتسن‌ها بود. به نظر می‌رسد بخشی از ایده‌های تورگنیف برای نوشتن آثار ادبی‌اش را هوردر تبعید وی و آشنایی‌اش با تبعیدیان سودایی باشد. «پدران و پسران» (۱۸۶۲) از مهم‌ترین آثار تورگنیف است که طی آن تورگنیف به اختلاف جدی با دقیق‌تر گفته شده به تفاوت بنیادین میان دو نسلی که «دیگر» زبان در نمی‌فهمند، می‌پردازد. او در این رمان به آشوب هرونی جامعه‌ای نظر دارد که همپای وقایع با دقیق‌تر گفته شده سلسله وقایعی می‌شود که بعدها رخ می‌دهد. مقصد تورگنیف از پدران و پسران، تقابل نسل محافظه‌کاران و نسل فرزندانی است که اقتدار پدران – محافظه‌کاران- را دیگر برنمی‌تابند و مترصد فرصتی‌اند تا طرحی نو دراندازند. «درانداختن طرحی نو» ده‌ها همچون شیعی تمام فضای روسیه را به تسخیر خود درآورده بود. تورگنیف در این رمان برای اولین بار واژه

او در این رمان به پدیده سیاسی با تمی فلسفی می‌نگرد و نمونه‌های بارز آن را در میان تبعیدان سودایی می‌یابد. پیشگویی تورگنیف درباره شورش فرزندان علیه پدران بعدها، بسته به شرایط اجتماعی، به شکل‌های متفاوت به حیات خود ادامه می‌دهد. این تنها تورگنیف نیست که پیشگویی می‌کند بلکه در داستایفسکی نیز با پیشگویی از نوع دیگر مواجه می‌شویم. رمان «تسخیرشدگان» (۱۸۷۳) داستایفسکی را که با عناوین بامسمای دیگر مانند «جن‌زدگان» و «شیاطین» ترجمه شده نیز می‌توان روایتی دیگر این‌بار با نگاهی متفاوت از «فرزندان» یا همان «تبعیدیان سودایی» در نظر گرفت. این رمان که در فاصله‌های کوتاه، ۱۴ سال بعد پیدا کرد، فی‌الواقع توجه به مجمع نهیلیست‌ها دارد. در این رمان داستایفسکی نیز مانند تورگنیف، «تبعیدیان سودایی» را در اصل همان جریان نهیلیستی می‌داند که در واکنش به ایده‌الیسم و لیبرالیسم قرن ۱۹ روسیه پدید آمد. «پدران و پسران» تورگنیف اگرچه شباهتی به تلقی داستایفسکی از این مفهوم دارد اما میان این دو نویسنده بزرگ تفاوتی اساسی وجود دارد. این تفاوت میان الیبرالیسم تورگنیف با محافظه‌کاری رادیکال داستایفسکی است. تورگنیف با نگاهی مسامحه‌گرایانه به فرزندان می‌نگرد، او فرزندان را ماجراجویانی می‌داند که با آرمان‌هایشان زندگی می‌کنند. آرمان‌هایی که اگرچه به صورت مجرد می‌تواند عالی و قابل ستایش باشد اما در نهایت در مواجهه با واقعیات زندگی در هم شکسته می‌شود و در نهایت جامعه طی روندی اصلاح‌پذیر به حیات طبیعی خود ادامه می‌دهد. به نظر تورگنیف، فرزندان حکم تب تندی دارد که زود می‌گذرد، در حالی که داستایفسکی به موضوع سبقه‌ای عمیقاً دینی- فلسفی می‌دهد. او که در نگارش «تسخیرشدگان» متأثر از ترور ایدئولوژیک ایوانوف بود، پیشاپیش نسبت به شیوع آن شندر این رمان به نظر داستایفسکی شیاطین یا همان جن‌زدگان فرزندان را وسوسه می‌کند اما نه به شیوه‌ای که شایسته فرزند باشد؛ من و پدر یکی هستیم؛ بلکه برعکس فرزندان را وسوسه می‌کنند تا علیه پدران خویش طغیان کنند تا هر آنچه را جز «من» باشد انکار کنند. بدین نوع فرزند طغیانگر وسوسه می‌شود بگوید: «من تماماً در خدمت هستم، برای خودم و سوای هر چیز دیگری -و هرچه آگوی من نباشد نفی و انکار می‌کنم، آن را نمی‌بینم، نمی‌شنوم و به یاد نمی‌آورم». این همان ایده‌هایی است که باکونین، نجایف و… و به‌طورکلی نهیلیست‌های پترزبورگی برای تخطئه دیگران با ترور ایدئولوژیک آنان دارند.<sup>\*</sup>

«تبعیدیان سودایی» سومین رمان یوزف روت است که با این سطور آغاز می‌شود: «کمکم بیمارستان صحرایی شماره ۲۴ در حومه شهر قرار داشت. آدم سالم و سرحال فاصله آخرین ایستگاه تراموا تا بیمارستان را در نیم ساعت طی می‌کرد. تراموا به طرف دنیا می‌رفت، به طرف شهر و زندگی، اما بیماران بیمارستان صحرایی شماره ۲۴ قادر نبودند خود را به ایستگاه تراموا برسانند. آنها یابینا یا فلج بودند، می‌لنگیدند. ستون فقرات‌شان خردوخیمیر شده بود یا قطع عضو شده بودند یا منتظر عمل قطع عضو بودند. جنگ را خیلی وقت پیش پشت سر گذاشته بودند؛ آموزش نظامی، گروهیان، سروان، گروهان ختاشکن، وعاظ ارتش، تولید قیصر، بغلاوی، سنسگر و جمله همه را فراموش کرده بودند. جنگ بین آنها و دشمن دیگر تمام شده بود.»

ایشن رمان که در روزنامه سوسیالیست‌های آلمانی فورورتنس منتشر می‌شود، در سال ۱۹۲۴ در قالب کتاب هم منتشر شد. این سه رمان به دوره آغازین کار روت اختصاص دارند. در بخشی از این داستان می‌خوانیم: «آدمی می‌تواند تکه‌ای بالارزش و بی‌تردید حیاتی از وجودش را از دست بدهد و درعین حال به زندگی ادامه دهد. آدم روی دو پایش راه می‌رود و یک‌دفعه از زانو به پایین یک پایش قطع می‌شود؛ مثل چاقویی که از دسته‌اش جدا شود و باز به راه‌رفتن ادامه می‌دهد. نه دردی در کار است، نه خونی دیده می‌شود، نه گوشتی هست، نه استخوانی و نه رگی.» منتقدان «عصیان» را روایتی دانسته‌اند که از منطق اروپایی و سرراست قصه بیان پیروی می‌کند و او را یکی از زوایای چهارگوشی می‌دانند که رتوس دیگرش نام‌های بزرگی مانند کافکا، موزیل و تسوایک هستند.

اندریاس پوم، ششصد و شصت و شش جلدی اول است که یک پایش را در جنگ از دست داده و چیزی جز یک نشان نظامی برایش باقی نمانده. او که نوازنده‌های خیابانی است، برخلاف هم‌زمانش در جنگ، به خدا و دولت باوری خدشه‌ناپذیر دارد و دشمن و مخالف کارفران و دائم‌الخمرها، دزدها و غارتگرها است؛ اما به طریی طعنه‌آمیز پس از یک نزاع خیابانی به‌عنوان یک شورشی و عاصی زندانی می‌شود و تمام چیزهایی که به آنها بیاور دارد، در لبه پرتگاه قرار می‌گیرند. در بخشی دیگر از این رمان می‌خوانیم: «آقای آرنولد قبندل، تندرست و به نسبت متمول بود و با این حال چندان از زندگی‌اش راضی نبود. کسب‌وکارش رونق داشت. در خانه همسری وفادار منتظرش بود که برایش دو فرزند به دنیا آورده بود؛ دقیقاً همان‌طور که آرزویش را داشت، ادبی می‌افتاد.»

صادقی در سال‌های پایانی عمرش کمتر دیده می‌شد و کمتر خبری از او شنیده می‌شد. دوستانش با نقل کرده‌اند که در این سال‌ها حتی اگر اتفاقی او را می‌دیدند به بهانه‌ای با عجله می‌رفت و وعده دیداری می‌داد که اغلب محقق نمی‌شد. احمد اخوت درباره این دوران نوشته است:

«سال‌ها بود کسی او را نمی‌دید. او را نمی‌دیدی اما می‌دانستی که هست. می‌دانستی که زنده است. شب‌ها در کتابخانه است چشمت به پرتواش می‌افتاد او را می‌دیدی که دستت زیر چانه‌ه یا خنده‌های مرموز دارد. به تو نگاه می‌کند. چشم‌های پرتره همان چشم‌های توی عکس‌ها بود. درست در چشم‌هایت نگاه می‌کرد. اکنون سال‌ها است مرده است. پرتره همان پرتره است اما حالت چشم‌ها عوض شده. محو است. انکار دارد از پشت توری به آن حضور نامرئی می‌نگرد.»

منابع:
- فرزند جهان سلطان، علی یزدانی، در خون آبی بر زمین نمناک، تألیف و تدوین حسن محمودی، انتشارات آسا، ۱۳۷۷.

- پرتره بهرام صادقی، احمد اخوت، در خون آبی بر زمین نمناک.

- نشور و دانستنی خواننده، گفت‌امیورال بتوانم شرکت کنم، چند ماهی.

- منبع: سایت «انجمن مرغ مقلد»

### مروار

### خرده‌ریزهای جامعه‌ای متلاشی

● **شرق:** «عصیان»، رمانی از یوزف روت که به واپسین دم زندگی یک انسان و ذهنیت او مربوط است، چندی پیش با ترجمه سینا درویش‌عمران و کیوان غفاری به فارسی منتشر شده بود و به‌تازگی چاپ تازه‌ای از آن در نشر بیدگل منتشر شده است.

یوزف روت، نویسنده و روزنامه‌نگار قرن بیستمی اتریش است که در سال ۱۸۹۴ در خانواده‌ای یهودی متولد شد. او در دوران جوانی در دانشگاه وین فلسفه و ادبیات آلمانی خواند و در ۱۹۱۶ با پیوستن به ارتش اوستا تحصیل را رها کرد. جنگ تجربه‌ای نیروه که تأثیر زیادی بر روت گذاشت و رد این تجربه در برخی آثار او دیده می‌شود. روت هم به‌عنوان نویسنده و هم به‌عنوان روزنامه‌نگار چهره مهمی به شمار می‌رفت و در هر دو عرصه شناخته‌شده بود. او در سال ۱۹۲۳ اولین رمانش به نام «تار عنکبوت» را نوشت؛ داستانی که البته هیچ‌گاه در قالب کتاب به چاپ نرسید. روت این رمان را به شکل پاورقی در روزنامه کارگر وین چاپ می‌کرد و بعدها آن را به لحاظ ادبی بی‌ارزش دانست. رمان بعدی او «هتل ساوی» نام دارد که در روزنامه فرانکفورتر منتشر می‌شد.



## عصیان

### یوزف روت

### ترجمه سینا درویش‌عمران

### کیوان غفاری

### نشر بیدگل